



سید علی اکبر حسینی

سخنی با مادران

لیاقت و توان فرزند شما ایمان دارد؟ ای کاش سخنش را درباره توان انسان و توان باور انسان از زبانش شنیده باشید، که در این صورت والاترین رهنمود تربیت فرزند را از او شنیده و فرا گرفته‌اید.

جمله زیبا و پرمعنایش را دوباره بخاطر بیاورید: "انسان اساس پیروزی است" "باور انسان اساس تمام امور است" شما خودتان می‌توانید، این باور اسباب این شد که آن کار بزرگ و معجزه آسا را (انقلاب اسلامی را) انجام دادید. باورتان باشد که خود ما هم می‌توانیم، اساس این باور است "اگر باورتان این باشد که ما می‌توانیم مستقل باشیم وابسته به غیر نباشیم، خواهید توانست".

عظمت انسان و باور انسان.

سخنان امام درباره عظمت و قدرت باور انسان بر اساس آیات قرآن و احادیث ائمه اطهار می‌باشد و اسلام این چنین عظمتی را برای انسان و برای باور او قائل است و به حق این چنین است، برای نمونه این سخن امام صادق را با دقت بشنوید: "مَا ضَعْفُ بَدَنِ عَمَّا قَوَّيْتُ عَلَيْهِ الْإِرَادَةَ" یعنی هیچ بدنی برای انجام هیچ کاری ضعیف نیست، وقتی که اراده و خواست و باور انسان برای کار قوی باشد، و به اصطلاح "خواستن توانستن است" یعنی اگر انسان با قطع و یقین انجام کاری را اراده کرد و خواست، آن کار انجام پذیراست و یقیناً انجام خواهد شد. فقط

سلام گرم و درود فراوان نثار شما مادران شما انسان پروران، سلام و درود خدا بر شما انسانهای شایسته که انسانیت در دامان مهرتان پرورش می‌یابد و در سایه درخت بلند ایثارتان آرام می‌گیرد.

شما مادرگرمی حتما یکی از والاترین اصول تربیت را، از رهبر و امامان درباره "باور" شنیدید. آیا آن سخن والا و پر محتوی را شنیدید؟ آیا شنیدید که او چقدر به عظمت انسان ایمان دارد؟ آیا شنیدید که او چقدر به لیاقت و توان انسان، اعتقاد دارد؟ روشن تر و جزئی تر بگویم: آیا شنیدید که او چقدر به لیاقت و توان شما و به

مهم اینست که انسان بخواهد وبه تعبیر امام " اگر باورتان این باشد که ما میتوانیم ، خواهید توانست " .

از این رهنمود اسلام در مورد عظمت قدرت اراده وخواست انسان چگونه استفاده میکنید ؟ شیوه سخن ورفتار خود را در ارتباط با فرزند خود ، چگونه می‌پسندید ؟ آیا تغییری در شیوه سخن ورفتار خود میدهید ؟ شاید برسید چه تغییری لازم است ؟ شاید هم تغییری لازم نباشد ورفتار و گفتار شما کاملاً با این اصل مطابق وهماهنگ باشد ولی خوبست برای اطمینان بیشتر به این توضیح توجه کنید :

برخی از مادران ، والبته بندرت بیشتر روی عیبها و ناتوانیهای فرزند خویش تکیه میکنند ، عیبهای را برخش میکنند ، ناتوانیها و اشتباهاتش را دوباره وچند باره به او میگویند و یادآوری میکنند که مبادا تکرار کند ، در صورتی که نادانی و ناتوانی و نارسائی در کودکان کاملاً طبیعی وکودکان وقتی دنیا میآیند کاملاً نادان و ناتوان بدنیا میآیند " والله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا " و خدا شما را از شکمهای مادرانتان خارج کرد ، درحالی که هیچ نمیدانستید .

والبته شما این چنین نیستید که روی عیبها ونارسائیهای فرزند خود تکیه کنید بلکه برعکس بجای یادآوری اشتباهاتش ، خوبیهایش را یادآوری وتکرار میکنید

وبتدریج او را بر توانائیهایش واقف میکنید خوبیهایش را میگوئید وباز میگوئید وبا تکیه بر توانائیهایش بحق این باور را در او ایجاد میکنید که " او میتواند و خدا او را یاری میکند " .

مبادا در فرزند خود شک وتردید ایجاد کنید ومبادا او را در کارهایش هرچند ناقص و نارسا دلسرد کنید ، بلکه برعکس در کارهایی که انجام میدهد ، حدود توانائی او را که بسیار اندک است ، در نظر بگیرید و به نقصها ونارسائیها کمتر بنگرید وهرچه بیشتر به نکات مثبت وارزشمندکارش توجه کنید و در حد مطلوب او را تشویق وتقدیر کنید . بگذارید فرزند شما باور کند که میتواند ، دست ودلش در انجام کارها نلرزد وهرچه بیشتر " باورتوانائی " را در او عمیق عمیقتر کنید و در عمل هم واقعا کارهایی را از او بخواهید که میتواند وبخوبی قادر است که انجام دهد .

بیان یک مشاهده .

در منزل یکی از آشنایان بودم ، پسر چهار پنج ساله شان دفتر نقاشی خود را آورد ودر حضور پدر ومادارش دفتر را باز کرد که بمن نشان بدهد ، آثار نیوغ واستعداد فراوان وسرشار کودک در نقاشیهایش پیدا

با آن پدر و مادر قرار گذاشتیم که از کودک خود همانقدر را بخواهند که میتواند او را نسبت بکارش مطمئن سازند و فقط به او بگویند : آفرین خیلی خوب کشیدی و مخصوصا از اینگونه جملات باورآفرین تا هفت سالگی حداکثر استفاده را بنمایند و هرگز از او کاری را نخواهند که نمیتواند .

نتیجه‌گیری و تکمیل .

شمامادر گرامی باید با جملات شوق‌انگیز و باورآفرین ، قدرت تفکر ، قدرت خواست و اراده را در فرزند خویش پرورش دهید ، به جای بکارگرفتن جملات یاس‌آور و ملال‌انگیز بیشتر از کلمات مثبت و تحسین‌کننده استفاده نمائید و او را نسبت بناتوانیهایش واقف کنید و نسبت به اراده پروردگار و آهنگ کلی حیات و خلقت ، خوش باور تربیت کنید همیشه به او بگوئید که میتواند ، به او بگوئید که از خدای بزرگ یاری خواهد و اقدام کند ، به او بگوئید که میتواند و توانائی خود را بیازماید .

در پایان به این سخن رسول خدا که از قول پروردگار متعال بیان فرموده است ، توجه نمائید : " من با بنده‌ام همانگونه رفتار میکنم که به من گمان میبرد ، پس جز خیر و خوبی به من گمان میرسد .

در این حدیث قدسی بارزش " باور انسان " اشاره شده است : یعنی جریان زندگی و

بود ، بترتیب از اول دفتر نقاشیهایش را توضیح میداد ، زاویه‌های مختلف کارش را بیان میکرد و من با این که از پیشتر او را می‌شناختم و استعداد و نبوغش را میدانستم تعجب میکردم و از قدرت ابتکارش لذت میبردم ، واقعا هر صفحه را بهتر از صفحه پیش کشیده بود ، ولی یک نکته مرا خیلی متاثر کرد و آن این بود که : وقتی هر نقاشی را کاملا شرح میداد ، آخر چهره اش درهم میشد و میگفت : نه ! این خیلی خوب نشده و با شرمندگی از آن میگذشت و با شوق علاقه بشرح نقاشی بعدی میپرداخت ، و در پایان دوباره همان جمله را با همان حالت ناراحت تکرار میکرد : نه ! این هم خیلی خوب نشده .. با این که کارش واقعا عالی بود ولی نسبت به همه کارهایش تردید داشت و هیچ یک را نپذیرفته بود و از این جهت بشدت رنج میبرد .

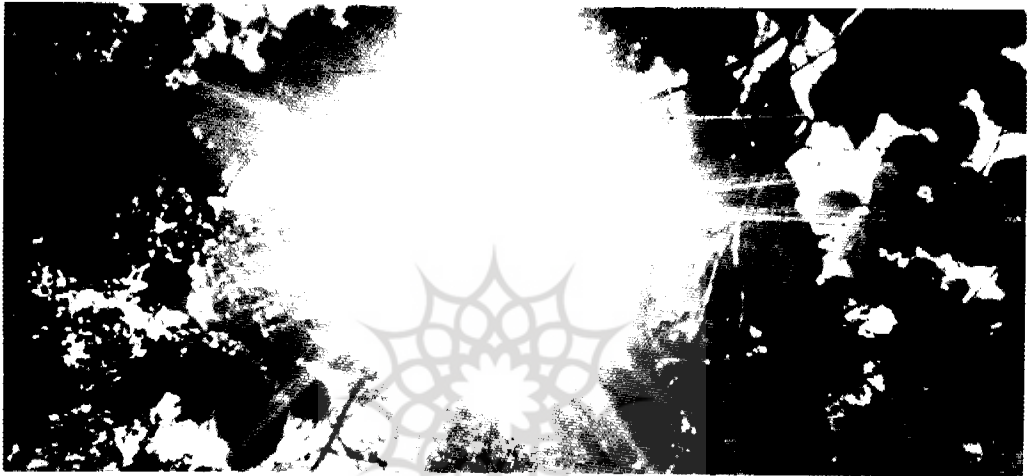
به پدر و مادرش گفتم : درباره نقاشیهای کودک خود چه میگویند ؟ گفتند : خیلی خوب کشیده ولی پسرما باید خیلی بهتر از اینها بکشد . وقتی که کودک با ناراحتی و شرمندگی دفتر خود را برداشت و از اطاق بیرون رفت ، گفتم : ای کاش کار کودک خویش را در همین می‌پذیرفتید و این همه زهر ناباوری درجان او نمی‌ریختید ، مگر نمی‌بینید از این زهر ناباوری چقدر رنج میبرد ؟ و پس از صحبتها و گفتگوهای مفصل

موفقیتها و پیروزیها و شکستهای انسان را ،
 خدای متعال بر اساس باور و ایمان انسان مقدر
 میفرماید ، اگر باور نیکو به پروردگارش
 داشته باشد ، باید یقین داشته باشد که
 خدای مهربان ، جز خیر و خوبی برای او
 مقدر نمیفرماید ، خدا همان یقین او را به
 پیروزی و موفقیت برمیآورد و موفقیت و پیروزی

دهید :

اول این که متناسب با سن و توان او به او
 بفهمانید که : خواست و باور واقعی او
 سرچشمه توان اوست و این باور را در او
 پرورش دهید .

و دوم این که : او را به جریان زندگی
 خوشبین تربیت کنید و او را به الطاف



نصیحت میبکند .

پروردگارش مطمئن سازید .

ولی اگر تردید و شک به خود راه دهد و به
 خدایش بدگمان شود خداهم با گمان
 بدش با او رفتار میکند ، پس مایه سعادت و
 منشاء خوشبختیهای فرزند شما باورهای نیکو
 و واقعی اوست ، باور و ایمان او به مهر و رافت
 و خیرخواهی پروردگارش ، باور و ایمان او به
 قدرتهائی که خدا در نهاد او قرار داده است
 و شما مادر ارجمند میباید این اصل اساسی
 تربیت را سرلوحه برنامههای تربیتی خود
 قرار دهید و گفتار و رفتار و برخوردهای خود را
 با فرزند خود ، بر اساس این دواصل ترتیب

شیوههای اجرای این دواصل اساسی را در
 سخنهای بعد خواهید شنید که همراه با
 مشاهدههای مفید تربیتی برای شما مادر
 گرامی ، بیاری خدا باز خواهیم گفت . با
 تشکر از شما که مدتی از وقت گرانبهای خود
 را صرف مطالعه این نوشته نمودید ، آن را
 پایان میبرم و از شما میخواهم که اگر
 رهنمودهای این نوشته را مفید و موثر یافتید
 که حتما خواهید یافت خواندن آنرا به
 صمیمیترین دوستان و خویشان خود توصیه
 کنید . خدا حافظ